

مقدمه

تلویزیون از زمان پیدایش، جای خود را به عنوان رسانه‌ای فراگیر، جذاب و پرطرفدار در علوم ارتباطات تثبیت کرد. این رسانه از آغاز همراه بارشده بی‌حد و مرز فنی و تکنولوژیک، توانست امکانات و تواناییهای هنرهای دیگر را نیز در اختیار بگیرد. اما در میان هنرهای زیبا (۱) تلویزیون بیش از هر رسانه دیگری به دلیل وجود القابای تصویری مشترک و یگانگی زبان بصری، به هنرهای تجسمی (۲) وابسته است. این وابستگی به اندازه‌ای است که گاهی تلویزیون را ادامه عکاسی و نقاشی می‌دانند؛ عکاسی به لحاظ ثبت و ضبط تصاویر از طریق دوربین و لنز بر روی فیلم، و نقاشی از نظر زبان تصویر، اهمیت عناصر تصویری و نقش آنها در به وجود آمدن تصویر. زیربنای هنر تجسمی و رسانه تلویزیون، درک تصویر است و تلویزیون برای شکل‌گیری تصویر به عناصر بصری نیاز دارد.

زبان تصویر و عناصر بصری در گرافیک تلویزیونی

امیر عبدالحسینی / کارشناس ارشد پژوهش هنر

خط، نقطه، شکل، سطح، رنگ، بافت، تیرگی و روشنی، عناصری هستند که همنشینی آنها و ارتباطشان بر روی صفحه سبب می‌گردد تا تصویر دیده شود. «دیده شدن»، هدف مشترکی است که هم تصاویر تلویزیونی و هم آثار تجسمی به آن منظور خلق می‌شوند. اهمیت عناصر بصری در یک تصویر نیز ناشی از این هدف است. باید پذیرفت که نقش اصلی در بیان اثر بر عهده عناصر بصری است، زیرا هر عنصر بصری دارای «انرژی تصویری» است و خالق اثر با توجه به نقش و قدرت عناصر بصری، نحوه کنار هم قرار گرفتن و چیده شدنشان در صفحه و با رعایت کیفیتهای بصری (۳)، انرژی مورد نظر را در تصویر تعیین می‌کند.

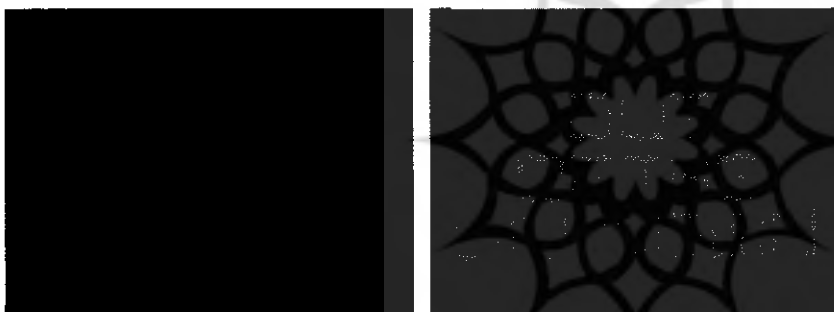
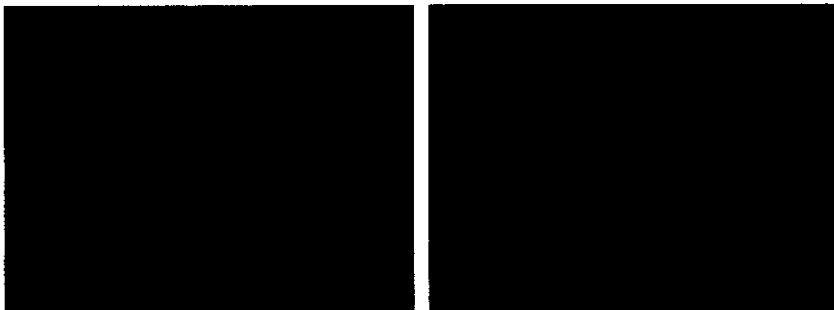
ارتباط گرافیک با تلویزیون

گرافیک، شاخه‌ای کاربردی از هنر تجسمی است که بیشتر از گرایشهای دیگر این هنر، در خدمت تلویزیون قرار گرفته است. در این رسانه، تقاضا برای گرافیکی کردن تصاویر روز به روز در حال افزایش است و شرکتها و مؤسسات بزرگ برنامه‌سازی تلویزیونی، بسیاری از طراحان گرافیک را در خدمت خود دارند. گرافیک در تلویزیون، دامنه وسیعی از فعالیتها را دربرمی‌گیرد. از طراحی نشانه، لوگو، پیشزمینه، کپشن (۴)، عنوانها و سرفصلها و نمودارهای تصویری گرفته تا طراحی عنوانبندی، وله (۵)، تیزرهای تبلیغاتی، صنعتی و فرهنگی.

همان عناصر بصری ای که در هنر گرافیک به کار گرفته می‌شوند، در تصویر تلویزیون حضور پیدا می‌کنند. همانطور که ذکر شد زبان و الفبای مشترک و شباهتهای تولید اثر، ارتباطی محکم بین هر دو برقرار کرده است. با این تفاوت که ماده اصلی کار در تولید آثار تلویزیونی، جلوه‌های نوری (۶) است. همه عناصر تصویری با توجه به عناصر نوری خلق شده و توسط اشعه‌های نور دیده می‌شوند. دانه‌ها و نقاط نورانی با دامنه‌های متنوع در کنار هم می‌نشینند و باعث شکل‌گیری عناصر تصویری و در نهایت ایجاد تصویر می‌شوند. دیده شدن تصویر نیز حاصل بمباران صفحه تلویزیون توسط نقاط نورانی است.

طراح گرافیک در تلویزیون با بهره‌گیری از ویژگیهای بیانی عناصر متفاوت ساخت تصویر و به مدد ابزار نور، به بیان تصویری متنوع دست می‌یابد. طبیعی است که ابزار جدید، توان ویژه‌ای در نمایش خط، شکل، رنگ و کنتراست ایجاد می‌کند.

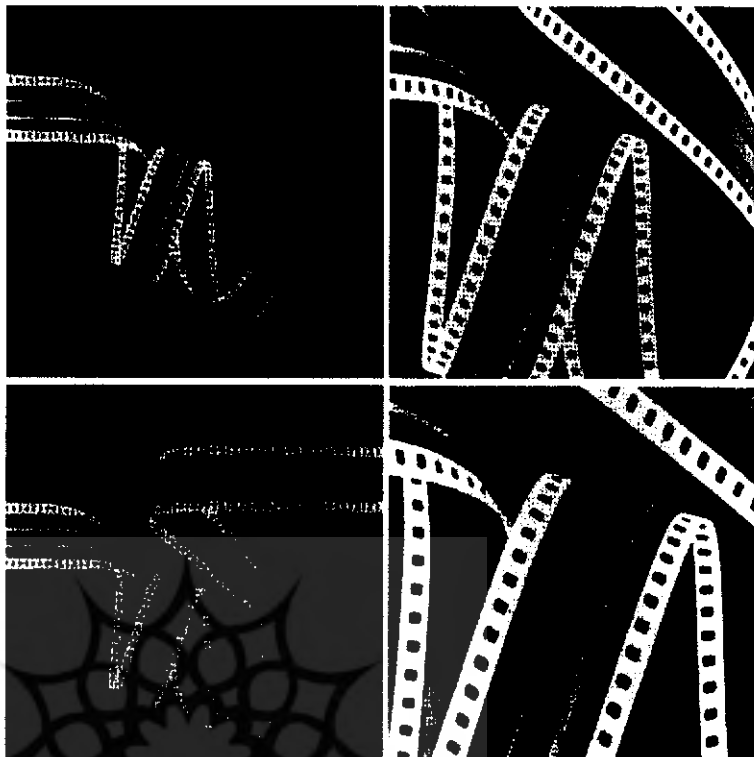
به دلیل استفاده از نوع خاصی از دسته‌بندی گرافیک، و با استناد به ابزارهای نوری در گرافیک تلویزیونی و همچنین استفاده از نقاط نورانی برای خلق تصویر، این نوع گرافیک را گرافیک نوری (۷) نیز نامیده‌اند.



طرح اولیه را می‌طلبید. این پیش طرح در بهترین شکل ممکن می‌تواند یک فیلمنامه تصویری (۱۱) باشد.

با توجه به موضوع، ایده اصلی شکل می‌گیرد و طراح با کمک عناصر مورد نیاز، شامل نقوش تصویری و مطالب نوشتاری و با استفاده از خلاقیت ذهنی‌ای که در اختیار دارد، اولویت حضور عناصر بصری در کادر تصویر، زمان ماندگاری بر صفحه و قدرت و انرژی آنها را مشخص می‌کند.

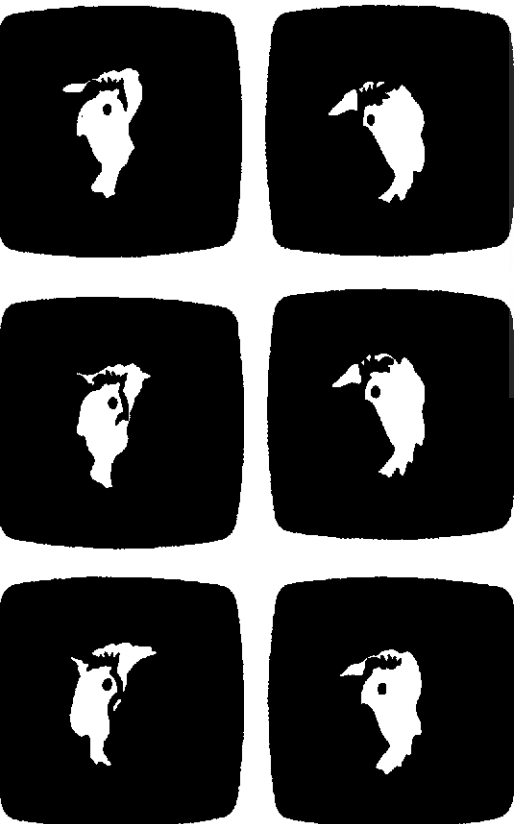
اهمیت فیلمنامه تصویری در ساختن گرافیک برای تلویزیون به اندازه‌ای ضروری است که با اطمینان می‌توان گفت که تولید یک برنامه تلویزیونی بدون آن غیرممکن است. مزیت دیگر داشتن پیش طرح، صرفه‌جویی در زمان و همچنین کاهش هزینه تولید است. جدای از طراحان، بسیاری از عوامل گروه تولید مثل کارگردان، طراح صحنه، تصویربردار و طراح نور نیز از ویژگیهای مثبت فیلمنامه تصویری بهره می‌برند. تهیه‌کنندگان و برنامه‌سازان متخصص و آشنا با زبان تصویر بدون در اختیار داشتن فیلمنامه تصویری کار را کلید نمی‌زنند. طراحان گرافیک که از یک سو مجذوب توانمندیها و امکانات تکنولوژیک تلویزیون، ارتباط مستقیم و صریح با جمع

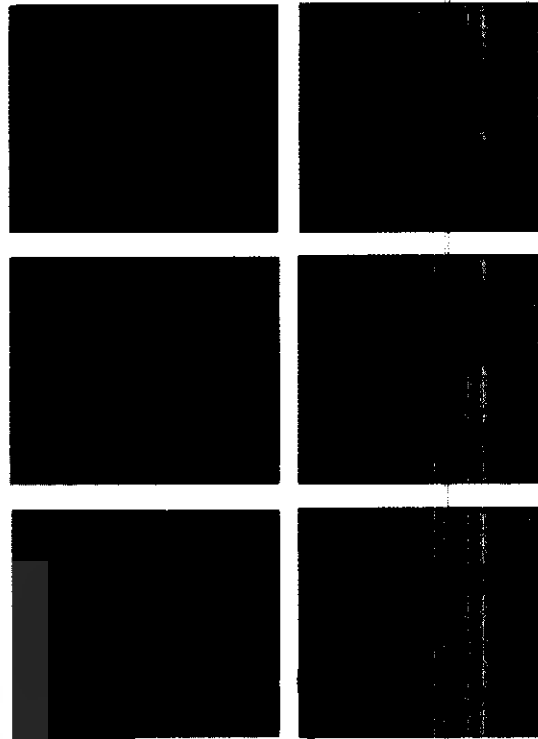


جدید بر خلاف ابعاد دیگر، دیداری نیست و تاثیر خود را بر روی حواس شنیداری مخاطب اعمال می‌نماید. تلویزیون تواناییهای صوتی (۸) را نیز در خدمت گرفته و جلوه‌های شنیداری مانند گفتار - منو لوگ و دیالوگ -، موسیقی و افکتهای صوتی به عنوان عناصری تازه در کنار زبان و القابی تصویر قرار می‌گیرند. انتخاب صدای مناسب همراه با تصویر، تصورات بصری تازه‌ای را در اندیشه مخاطب ایجاد می‌کند. بسیار پیش آمده که با شنیدن صدایی خاص، تصویری مرتبط با آن در ذهن تداعی شده‌است، و یا توسط دیدن یک تصویر یا یک تابلوی ثابت، صدایی در ناخودآگاه تجسم یافته است. صدانیز در گرافیک تلویزیونی بسان تصویر در بستر زمان جاری است و همگام با تصویر شنیده می‌شود. طراحان گرافیک در تلویزیون در کنار زبان تصویر، از زبان صوت برای بیان و انتقال تصویر مدد می‌گیرند و با القابی غنی و بی‌کم و کاست، توانایی ارائه پیام - مفهوم - را به بهترین شکل در اختیار دارند.

طراحی گرافیک تلویزیون
طراح گرافیک قبل از خلق اثر، (۹) در گامهای نخستین به اتود (۱۰) نیاز دارد و پس از به نتیجه رسیدن اتود و رضایتبخش بودن آن، ابزار و تکنیک مورد نیاز را انتخاب و آفرینش اثر را آغاز می‌کند. تولید و خلق آثار مرتبط به گرافیک تلویزیونی، تنظیم و نگارش

ابعاد گرافیک تلویزیونی
اما به غیر از نور، بعد دیگری که گرافیک تلویزیونی را از صور دیگر گرافیک متمایز می‌نماید، حرکت است. حرکت به عنوان عنصری مجزا در زبان گرافیک تلویزیونی نگاهی نوین را به طراح می‌دهد. شاید از زاویه‌ای بتوان حرکت را بعد زمان نیز نام نهاد. عناصر تصویر در این نوع گرافیک همگام با زمان در حرکتند. در تصویر تلویزیونی پیام باید سرعت به مخاطب منتقل شود. بیننده قادر نیست تا دقایقی به تصویر خیره شود تا بتواند در کمال آرامش و در زمان مناسب از تصویر تاثیر پذیرد. اگر تصویر در زمان مناسب درک نگردد، سرعت از جلوی چشم می‌گذرد و جای خود را به تصویر بعد می‌سپارد. از این منظر نیز می‌توان در مفهوم بعد زمان تا مل کرد محدودیت زمان و همچنین نبود وقت کافی، برای تاثیرگذاری تصویر باید در نظر گرفته شود. عناصر بصری در تلویزیون در تلویزیون بر خلاف تصاویر ثابت فرصت زیادی ندارند تا انرژی تصویری و ارزشهای بصری خود را به بیننده برسانند. در کنار جلوه‌های نور و حرکت - که هر دو در زمره عناصر دیداری قرار می‌گیرند - بعد دیگری که خود عنصری مجزا است در اختیار طراح گرافیک تلویزیونی قرار می‌گیرد. این بعد





کثیری از مخاطبان در یک زمان و آگاهی سریع از باز خورد انتقال تصویر شده‌اند، از سوی دیگر با موانع و محدودیتهای رسانه‌ای (۱۲) مواجه هستند.

کادر تلویزیون

قاب تصویر - کادر - را می‌توان یکی از این محدودیتها دانست. در شکل‌های دیگر هنر گرافیک، طراح آزاد است که با کمک دانش بصری، ذوق و سلیقه، موضوع و شکل مطلوب، کادر مورد نظر را برای کار انتخاب نماید. اما طراح گرافیک در تلویزیون فقط یک کادر ثابت در اختیار دارد. قاب تصویر مربع مستطیل با مقیاس سه به چهار، اگرچه طراحان با استفاده از فریبهای تصویری مثل به کار بردن ترکیب‌بندیهای خاص، و یا پوشاندن قسمتهایی از تصویر با سیاهی، و استفاده از عنصر تیرگی / روشنی سعی دارند تا این محدودیت را کم رنگ کرده و یا بی‌اهمیت جلوه دهند، اما دستاورد نهایی، تصویری است که از قاب تلویزیون دیده می‌شود و باز همان داستان کادر ثابت مربع مستطیل، این نکته را نیز نمی‌توان نادیده گرفت که در گرافیک تلویزیونی -

برخلاف صورت دیگر گرافیک - ترکیب‌بندی واقعی وجود ندارد. ترکیب‌بندی، در هر لحظه تغییر می‌کند و عناصر بصری موجود در قاب تصویر به دلیل عنصر حرکت، پایدار نیستند و مدام در حال تغییر و تحول و حرکتند. (۱۳) با این ترکیب‌بندی متحرک، طراح باید به توازن،

تعادل و تناسب در ترکیب‌بندی هر نماتوجه کند. طوری که هر نما هم به خودی خود ترکیب‌بندی مناسب داشته باشد و هم عناصر آن در نماهایی که بدنبال هم می‌آیند با هم تناسب داشته باشند و ترکیب‌بندی کلی استواری را خلق کنند.

محدودیت دیگر در زبان رسانه این است که عناصر بصری موجود در تصویر قادر نیستند که آزادانه و بی‌حد و مرز بر صفحه نمایان شوند. طراح یک پوستر را به عنوان نمونه در نظر بگیریم. در طراحی پوستر، گرافیسیت مجاز است تا اطلاعاتی که از نظر اهمیت درجه پایینی دارد و یا نقوشی را که قرار است در پوستر حضور داشته باشند - و لازم نیست که دیده شوند - در قسمتهایی از کادر و به اندازه‌ای کوچکتر از سایر عناصر بگنجانند. نوشتار، طوری چیده می‌شوند که به ترتیب اهمیت در اولویت دید بیننده قرار بگیرد. عناصر ریز نقش و بافتهای پس‌زمینه، به هر صورت که در پوستر قرار داده شود قابل درک است. صفحه تلویزیون، این توانایی را در اختیار طراح نمی‌گذارد. در گرافیک تلویزیونی عناصر و نوشته‌های ریز نقش قابل رویت نیست و اگر هم دیده شود وضوح تصویری کافی ندارد. ضمن آنکه مخاطب نمی‌تواند با نزدیک شدن به صفحه تلویزیون به عناصر تصویر توجه نماید. از سوی دیگر، متحرک بودن تصویر این مجال را به او نمی‌دهد و از دیگر سو ماحصل نزدیکی به صفحه تلویزیون، رؤیت نقاط و ذرات نورانی‌ای است کنار هم چیده شدنشان تصویر را شکل داده و قابل درک می‌کند. اما در پوستر برای درک موضوع، می‌توان به میزان مورد نظر به اثر نزدیک شد و یا در مدت زمان لازم اثر را بررسی نمود و عناصر آن را با دقت نگریست. نکته دیگر در دانش طراحان گرافیک، آگاهی طراح از دانش و تخصص فن مرتبط با آن است. طراح گرافیک می‌بایست در همان مرحله اتود، پایان‌کار را در نظر بگیرد؛ آشنایی با انواع کاغذ (از نظر برش، قطع، جنسیت و مرکب خور بودن)، آشنایی با دستگاه‌های لیتوگرافی و چاپ و تمام مواردی که کار را به مرحله‌ای می‌رساند که براحتی در اختیار مخاطب قرار گیرد. در کل می‌توان گفت که گرافیسیت قبل از خلق اثر، خروجی و کار نهایی را در نظر می‌گیرد. اثر هر قدر هم که زیبا باشد و بر اساس دانش و آگاهی تجسمی شکل بگیرد، پس از مرحله تکثیر و چاپ است که در اختیار بیننده قرار می‌گیرد و نظر مخاطب بر اساس نسخه‌ای است که در اختیار دارد نه نسخه اصل. در تلویزیون هم محصول نهایی پس از ارسال سیگنال‌های تصویری و صوتی در کادر تلویزیون رویت و قضاوت خواهد شد. طراح گرافیک در تلویزیون ناگزیر است

برای کار خود و در زمان پیش طرح، با مباحث فنی و مهندسی متناسب با تکنولوژی رسانه تلویزیون، آشنا باشد و محاسن و معایب آن را در نظر بگیرد. مواردی مثل رنگ در تلویزیون، ابزارهای نوری، خطاهای بصری تکنولوژی تلویزیون، امکانات فنی برنامه‌سازی، ابزارهای ثبت و انتقال تصویر و نظیر اینها.

در هر حال، پس از شکل‌گیری و تکمیل اثر توسط طراح، نسخه اصلی آن بر روی نوارهای تلویزیونی ضبط شده و در اختیار تهیه‌کننده قرار می‌گیرد تا مسیر پخش تلویزیون را طی کند. یادآوری این نکته ضروری است که برای جلوگیری از کاهش کیفیت تصویر، نسخه مورد نیاز باید از نسخه اولیه - نسخه مادر - تهیه شود.

دست آخر اینکه طراح گرافیک تلویزیونی پس از دانش تجسمی و دانستن الفبای زبان بصری و اشراف بر قدرت بصری، انرژی و رموز عناصر و کیفیتهای بصری در این رسانه، امکانات نوینی را برای انتقال مفاهیم و تصاویر در اختیار دارد و توسط زبان ساده و گویای گرافیک، ساده‌ترین راه‌ها را بر بیننده را بر می‌گزیند.

پی‌نوشتها:

1- Fine Arts

2- Visual Arts

۳- در مبانی هنرهای تجسمی؛ تعادل، تناسب، ریتم و هماهنگی را کیفیتهای بصری نامیده‌اند.

۴- لوحه، نوشته یا نوشتاری که در بین تصاویر و یا روی تصاویر نقش می‌بندد.

۵- به کلیه انتقال‌های تصویری و جلوه‌های آن وله می‌گویند.

6- Light Effect

۷- گرافیک نوری به غیر از تلویزیون در شاخه‌های دیگر تکنولوژی و هنر مدرن و همچنین در وب سایتها حضور دارد.

۸- پیش از پیدایش تصویر و دستگاههای ثبت و ضبط تصاویر ابزارهای صوتی اختراع شده بود. اختراع دستگاه فوتوگراف سالها قبل از دستگاههای مرتبط با تصویر انجام گرفته است.

۹- این اثر می‌تواند طراحی پوستر، جلد، بروشور، نشان، آگهی و هر چیزی در زمینه تبلیغات و فرهنگ باشد که انجام آن به عهده طراح گرافیک گذاشته می‌شود.

۱۰- پیش طرح، در هنرهای دیگر نیز با شکلهای متنوع، از پیش طرح استفاده می‌شود. مثل اتودهای نقاشان، قبل از خلق آثارشان.

11- story board

۱۲- در این بحث، محدودیت رسانه‌ای به لحاظ تکنیک و تخصص مدنظر قرار گرفته است.

۱۳- متحرک بودن تصویر و عناصر آن در تلویزیون سبب شده تا گروهی از متخصصان، این نوع گرافیک را گرافیک متحرک بنامند. بر نظر آنان هر اثری که با استفاده از عناصر گرافیک و بر اساس حرکت شکل بگیرد و در نهایت بر روی نوارهای مغناطیسی یا به روش دیجیتال ضبط و ثبت نقش شود، در زمره گرافیک متحرک قرار می‌گیرد.

منابع و مآخذ:

۱- سعیدی پور، فرشته، گرافیک در عنوان بندی فیلم، انتشارات سروش، ۱۳۶۶

۲- جزوات تدریس شده در باشگاه تلویزیونی جوان / مبحث گرافیک تلویزیونی

۳- اینترنت